

نقش تلاش در نظام روزی رسانی

علیرضا شیرزاد (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث)

ashirzad125@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹)

چکیده

خداوند متعال در عالم تکوین، همچنان که مدت عمر هر انسانی را معین نموده، میزان روزی آن‌ها را نیز مشخص و معین نموده است؛ اما خداوند، روزی را به دو صورت مقدر نموده است، علاوه بر صورت اول یعنی «رزق مقدر مقطوع» که بدون تلاش به انسان خواهد رسید صورت دیگری از روزی بوده که منوط به تلاش انسان بوده که از آن به «رزق مقدر مشروط» نام برده می‌شود و البته تنها راه رسیدن به این نوع از روزی، اجمال در طلب یا تلاش متعادل است و برخلاف آنچه تصور می‌شود، تلاش بیش از اندازه، مکر و حيله و نیز راه‌های حرام، تأثیری در افزایش رزق نداشته و آنچه سبب افزایش روزی می‌شود، شیوه‌هایی است که در احادیث بیان شده که آن‌هم مربوط به فضل و بخشش خداوند و مازاد بر دو قسم مذکور است که «رزق مفضول» نامیده شده است.

کلیدواژه‌ها: رزق، تلاش، اعتدال در طلب، فضل خدا، افزایش رزق.

مقدمه

حوزه معیشت یا کسب درآمد که با عنوان «رزق» در آیات و روایات بیان شده به دلیل دارا بودن ارتباطی دائمی و مستقیم با زندگی انسان‌ها از مهم‌ترین مسائلی است که بایستی عمیقاً و دقیقاً بدان پرداخته شود. همین امر سبب شده بسیاری از مصنفان کتب حدیثی و نیز پژوهشگران معاصر به مسئله رزق ورود پیدا کرده و احادیث و نکات فراوانی را در این زمینه بیان نمایند.

آنچه در قرآن کریم مشاهده می‌شود این است که خداوند متعال در کتاب خود در بسیاری از موارد که سخن از رزق به میان می‌آید، آن را به خود نسبت داده و نقش خود را در روزی رسانی



پررنگ می‌نماید، این مطلب با یک جستجوی ساده در آیات فراوان مربوط به رزق، روشن‌تر خواهد شد.

خالق این عالم همچنان که خود را موظف به روزی‌رسانی دانسته و فرموده: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده خداست. (هود: ۶)

در موارد متعدد حتی جزئیات روزی‌رسانی یعنی ضیق و سعه آن را نیز به عهده خود دانسته و فرموده: ﴿اللَّهُ يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ﴾ خداوند روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند. (رعد: ۲۶)

اما آن‌چنان که از این آیات و روایات متعددی که به مناسبت در این نوشتار بیان خواهد شد این معنا دانسته می‌شود که علاوه بر مقدر شدن رزق، میزان رزقی که به هر انسان می‌رسد نیز توسط خداوند مشخص شده است، آنچه در میان همه مباحث رزق اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و مورد سؤال واقع می‌شود، نقش تلاش انسان در رسیدن به روزی مقدر است.

به نظر پژوهشگر، مؤلفین و پژوهشگران در این زمینه، یا به‌صورت کلی به مبحث «تلاش در جهت کسب روزی» اشاره کرده و به بیان روایاتی در این زمینه بسنده کرده‌اند و یا در صورت عمیق‌تر شدن، به مباحث مطرح‌شده در مورد جزئیاتی همچون «میزان و معیار تلاش در کسب روزی مقدر»، صرفاً به‌عنوان یک اصل اخلاقی و یا روان‌شناختی نگاه نموده و در نتیجه به موضوعاتی همچون حرص و قناعت اشاره نموده‌اند.

اما آنچه خلاً آن در این‌گونه مباحث احساس می‌شود بررسی «نقش تلاش در نظام روزی‌رسانی» به‌عنوان یک قاعده تکوینی و سنتی تغییرناپذیر و در کنار آن بررسی عمیق روایات به‌ظاهر متعارض این باب است، بدین منظور، بعد از بررسی مفهومی لغت رزق و بیان مؤلفه‌های آن، با بررسی روایات به‌ظاهر متعارض و ارائه یک تقسیم‌بندی جدید، به لزوم تلاش در جهت کسب روزی مقدر نیز اشاره شده است. سپس به اشاره به کلیدواژه «اجمال در طلب» که در روایت متعدد بدان اشاره شده و نیز بیان حد افراط و تفریط تلاش، به میزان تلاشی که خداوند برای رسیدن به روزی مقدر از ما خواسته پرداخته شده است. بعد از آن با اشاره به تقابل تصور عامه مردم در زمینه افزایش رزق با آنچه خداوند در عالم تکوین قرار داده، مسئله افزایش توهمی رزق و نیز

افزایش حقیقی آن (رزق مفضول) بیان شده و به کمک روایات و ارائه یک تقسیم‌بندی جدید دیگر، ابهامات موجود در این زمینه نیز برطرف گردیده است.

۱. مفهوم شناسی رزق

قبل از بیان نحوه ارتباط تقدیر و تلاش در نظام روزی‌رسانی به منظور روشن‌تر شدن جایگاه رزق در نظام روزی‌رسانی و همچنین فهم عمیق‌تر آیات و روایات مربوطه به بیان مفهوم رزق و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن می‌پردازیم

این منظور (۱۴۱۴)، طریحی (۱۳۷۵) و زبیدی (۱۴۱۴) رزق را به «آنچه که به وسیله آن نفعی برده می‌شود» تعریف نموده‌اند.^۱ (۱۱۵؛ ۱۶۷؛ ۱۶۲)

ابو هلال عسکری (۱۴۰۰) با اشاره به «أرزاق» نامیده شدن جیره غذایی لشکریان به جهت پیوستگی در اعطاء، رزق را به «بخشش پیوسته و جاری» تعریف نموده است.^۲ (۱۶۰)

راغب اصفهانی (۱۴۱۲) نیز در تعریف خود مانند ابو هلال عسکری به پیوسته بودن این بخشش اشاره نموده و در مجموع سه معنای استعمالی برای این لغت در نظر گرفته است:
۱- بخشش پیوسته ۲- نصیب و بهره ۳- آن چیزی که به معده می‌رسد و با آن تغذیه می‌شود.^۳ (۳۵۱)

همچنین در میان مفسرین، علامه طباطبایی (۱۳۹۰) در مقام بیان تفسیر آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (ذاریات: ۵۸) رزق را به «آنچه که خلق در وجودشان از آن بهره‌مند می‌شوند» تعریف نموده است.^۴ (۱۳۸)

امین‌الاسلام طبرسی (۱۳۷۲) و نیز خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۲) رزق را این‌گونه تعریف نموده‌اند: رزق همان چیزی است که می‌توان از آن بهره‌برداری کرد و کسی نمی‌تواند از آن منع کند.^۵ (۴۷۷؛ ۱۲۲)

از بررسی این نظریات می‌توان نتیجه گرفت که لغت رزق از دو مؤلفه تشکیل شده است:

۱. نعمت (به نسبت رازق، عطاء و بخشش و به نسبت مرزوق، انتفاع و بهره بردن است)؛

۲. پیوستگی و دائمی بودن.



۲. رزق مقطوع در برابر رزق مشروط

زمانی که روایات باب رزق را بررسی می‌کردم نکته‌ای نظرم را جلب نمود، اینکه حضرات معصومین علیهم‌السلام به دفعات متعدد، رزق را با اجل مقایسه نموده‌اند نمونه آن را می‌توان در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مشاهده نمود که فرمودند:

رِزْقُ كُلِّ امْرِئٍ مُّقَدَّرٌ كِتْقَدِيرِ اَجَلِهِ

روزی هر انسان، همانند مرگ وی، مقدر شده است. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰:

۳۸۸)

شباهت‌های متعددی بین اجل و رزق وجود دارد، از جمله آن‌ها:

الف) شباهت در زیادت و نقصان: امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خطبه‌ای، بعد از اینکه به کم‌وزیاد بودن روزی مقدر و نیز حکمت این امر اشاره نمودند، به وجود این مسئله در اجل نیز متذکر شده و این‌گونه فرمودند:

خداوند روزی‌ها را تقدیر فرموده و آن‌ها را فراوان یا اندک و در تنگنا یا گشایش مقرر فرموده است و در این رفتار دادگری ورزیده تا هر که را خواهد، با روزی آسان یا سخت آزمایش فرماید و بدین گونه شکر ورزیدن و صبر کردن را از توانگر و فقیر بیازماید. سپس همراه با گشایش روزی، ناگواری‌های فقر را قرار داده و با سلامت‌ش بلاهای بیماری را درآمیخته و با شادمانی‌های سُوروش غمناکی‌های اندوهش را همراه ساخته است و سر رسیدن زندگی‌ها [اجل‌ها] را مقدر فرموده و آن‌ها را بلند یا کوتاه و پیش یا پس قرار داده و سبب‌های مرگ را فراهم آورده و مرگ را کشنده طناب‌های دراز عمرها و پاره کننده ریسمان‌های کوتاه گره‌خورده آن‌ها قرار داده است.^۶ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۳۴)

ب) شباهت در حتمی بودن: هنگامی که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در مورد حتمی بودن روزی مقدر این‌گونه سؤال می‌کنند که: اگر در خانه شخصی بر او بسته شده و در آن محبوس گردد، روزی‌اش از کجا می‌رسد؟ امام علی علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: از همان جا که مرگش فرامی‌رسد.^۷ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۳۷)

اما هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایتی، حتمی بودن روزی را با اجل مقایسه نموده و حتی رسیدن روزی به انسان را حتمی تر از رسیدن مرگ دانسته و فرمودند: روزی در پی بنده است، سرسخت تر از آنکه اجلس در پی اوست^۱ (شعیری، بیتا: ۱۰۸) ممکن است این سؤال در ذهن متبادر شود که آیا انسان در تحقق روزی خود مانند فرارسیدن زمان مرگش، نقشی ندارد؟ و با توجه به مضمون روایت، حتی اگر در جای خود بنشینیم و دست روی دست بگذاریم روزی مقدر مانند مرگ به سراغ ما خواهد آمد؟

ما در این بحث با دودسته روایات به ظاهر متعارض روبرو هستیم، دسته اول روایاتی هستند که وجود هیچ تلاشی را برای رسیدن به روزی مقدر لازم نمی دانند، ازجمله آن‌ها:

۱. امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ فرمودند:
الرِّزْقُ يَطْلُبُ مَنْ لَا يَطْلُبُهُ
روزی طالب کسی است که [حتی] او را طلب نکند. (تمیمی آمدی: ۱۴۱۰: ۷۵)
۲. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَدْرَكَهُ كَمَا يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ
ای اباذر اگر بنی آدم همچنان که از مرگ می گریزد از روزی نیز بگریزد، بازهم روزی به او می رسد همچنان که مرگ به او می رسد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۷)
۳. امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ فرمودند:
رِزْقُكَ يَطْلُبُكَ فَأَرِحْ نَفْسَكَ مِنْ طَلْبِهِ
روزی، خود، به دنبال تو می آید؛ پس خود را از طلب آن راحت ساز. (تمیمی آمدی: ۱۴۱۰: ۳۸۷)

و دسته دوم روایاتی که وجود تلاش را برای رسیدن به روزی ضروری دانسته و شرط رسیدن به روزی مقدر را طلب آن دانستند، ازجمله آن‌ها:

۱. امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ فرمودند:
اطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضْمُونٌ لِطَالِبِهِ

روزی را بجوید چون همانا روزی برای جوینده آن ضمانت شده است.
(مفید، الف ۱۴۱۳: ۱/ ۳۰۳)

۲. سَدیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که وظیفه انسان در طلب روزی چیست؟
امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

إِذَا فَتَحْتَ بَابَكَ، وَ بَسَطْتَ بَسَاطَكَ، فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ

وقتی در مغازهات را باز کردی و بساط خود را بهن نمودی، آنچه را بر عهده
توست انجام داده‌ای. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۷۹)

۳. امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر فرمودند:

أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتَهُ، وَ أَغْلَقَ بَابَهُ، أَكَانَ يَشْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمَاءِ؟

آیا گمان می‌کنی اگر کسی به خانه‌اش درآید و در را ببندد، چیزی از آسمان
[برای روزی وی] بر او فرود می‌آید؟ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۷۸)

تمسک صرف به روایات دسته اول می‌تواند انسان را به سمت تنبلی و کسلی و نیز رضایت
انحرافی از مقدرات سوق دهد و همچنین تمسک صرف به روایات دسته دوم، این نگاه را در
انسان ایجاد نموده که برای رسیدن به روزی مقدر، راهی جز تلاش و طلب آن وجود ندارد؛
در صورتی که با تأملی جامع در احادیث باب رزق، می‌توان این دودسته روایات به‌ظاهر متعارض را
این‌گونه جمع نمود که خداوند متعال دو نوع رزق برای انسان‌ها مقدر نموده است، نوع اول رزقی
است که حتی بدون تلاش به انسان‌ها خواهد رسید و نوع دوم رزقی است که منوط به تلاش و
طلب آن رزق است، در نتیجه انسانی که دست روی دست گذاشته و در پی رزق نوع دوم نرفته و به
رزق نوع اول خود راضی باشد در صورت دچار شدن به مشکلات معیشتی و کمبود روزی،
نمی‌تواند این وضع را به صلاح خود دانسته و این فقر و نیازمندی را برای خود «خیر» قلمداد کند
چون خود مقصر و عامل بروز این مشکل است.

به این مطلب در روایتی از امام صادق علیه السلام به روشنی بیان شده است:

الرِّزْقُ مَقْسُومٌ عَلَى صَرَبَيْنِ، أَحَدُهُمَا وَاصِلٌ إِلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ لَمْ يَطْلُبْهُ وَالْآخَرُ
مُعَلَّقٌ بِطَلْبِهِ، فَالَّذِي قُسِمَ لِلْعَبْدِ عَلَى كُلِّ حَالٍ آتِيهِ وَإِنْ لَمْ يَسْعَ لَهُ وَالَّذِي قُسِمَ
لَهُ بِالسَّعْيِ فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَلْتَمِسَهُ مِنْ وُجُوهِهِ

رزق به دو گونه تقسیم شده است: قسم اول روزی این بوده که هرچند صاحبش به دنبال آن نباشد به او می‌رسد و قسم دیگر وقتی به دست آید که در پی آن روند، پس آنچه در حال برای بنده مقدر شده، به وی می‌رسد، هرچند بنده برای آن نکوشد؛ و اما آنچه با کوشش برایش مقدر شده، بنده باید آن را از راهش بیابد. (مفید، ب ۱۴۱۳: ۵۸۶)

در نتیجه می‌توان رزق مقدر را این‌گونه تقسیم نمود: ۱- رزق مقدر مقطوع ۲- رزق مقدر مشروط

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۹)، از این نوع تقسیم‌بندی روزی، با تعابیر دیگری یاد نموده که به نوعی تقسیم‌بندی مذکور را روشن‌تر می‌سازد، ایشان یک نوع از رزق را به دلیل اینکه تحصیل آن مبتنی بر رنج و تلاش است «رزق مکسوب» نامیده و نوع دیگر رزق را با استفاده از برخی آیات قرآن کریم، «رزق موهوب» دانسته یعنی رزقی که با سعی و تلاش به دست نخواهد آمد و تنها هبه‌ای از جانب خداوند است، همچنان که خداوند متعال در قرآن کریم، وجود اسحاق و یعقوب را برای ابراهیم و نیز هارون را برای موسی، هبه‌ای از جانب خود می‌داند.^۹ (۱۳ / ۲۳۸)

۳. اجمال در طلب؛ تلاشی مقبول

حال که روایات، تلاش و طلب را به جهت رسیدن به «رزق مقدر مشروط» لازم دانستند آیا میزان آن تلاش را نیز معین نموده‌اند؟ به تعبیر دیگر آیا در اسلام اشاره شده که یک فرد در طول روز بایستی چه مقدار از عمر خودش را به کسب آن رزقی که برایش مقدر شده اختصاص دهد؟ با جستجوی در روایات باب رزق در این رابطه، با کلیدواژه‌ای روبرو می‌شویم که در روایات متعددی بدان اشاره شده تا آنجا که مصنفان کتب حدیث، بایی را در کتاب خود به آن اختصاص داده‌اند، آن کلیدواژه، «اجمال در طلب» است.

قبل از بیان این روایات، لازم بوده به منظور فهم دقیق‌تر این لغت به عنوان معیاری در طلب روزی، تعریف دقیقی از این کلیدواژه داشته باشیم. تعدادی از لغویان این کلیدواژه را به عنوان یک اصطلاح تعریف نمودند، زمخشری (۱۹۷۹) آن را به «حرص نزدن» تعریف نموده^{۱۰} (۱۰۰) و فیروزآبادی (۱۴۱۵) به «درنگ کردن و رعایت اعتدال و در نتیجه افراط نکردن» تعریف نموده

است^{۱۱} (۴۸۱) با توجه به تعاریف مذکور نتیجتاً می‌توان لغت «اعتدال ورزی» را برای این کلیدواژه برگزید.

اما اشاره به برخی از روایاتی که در بردارنده این کلیدواژه هستند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

أَلَا إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا
فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَاجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ

توجه نمایید! به راستی که روح الامین [جبرئیل] بر قلب من الهام کرد که هیچ کس نمیرد مگر آن که همه روزی خود را دریابد؛ پس خدای را پرهیزد و در طلب اعتدال بورزید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۰)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

لَوْ كَانَ الْعَبْدُ فِي حَجَرٍ لَأَتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ

اگر بنده در میان سنگی به سر برسد، خداوند روزی اش را می‌رساند؛ پس در طلب اعتدال بورزید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۱)

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

اتَّقِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاجْمِلْ فِي الطَّلَبِ

در طلب رزق تقوا داشته و اعتدال بورز. (منسوب به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۴۰۶: ۲۵۱)

۳-۱. نه ضرر به آخرت و نه سربار مردم شدن

در برخی از روایات به جهت فهم بهتر مفهوم «اجمال در طلب» یا اعتدال در طلب روزی، حدومرزی نیز برای افراط [تلاش بیش از اندازه] و تقریط [سستی ورزیدن] در طلب روزی بیان نموده‌اند،

لقمان حکیم دریکی از سفارش‌های خود به فرزندش بیان کرد: ای پسر عزیزم! در دنیا چنان داخل مشو که به آخرت زیان رساند؛ و آن را چنان وانگذار که سربار مردم شوی.^{۱۲} (ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰: ۷۹ / ۱)

علاوه بر اینکه از این روایت می‌توان به‌عنوان حدود افراط و تفریط در طلب روزی استفاده نمود، می‌توان به‌عنوان نتایج سوء تلاش بیش‌از اندازه و در مقابل سستی ورزیدن در طلب روزی نیز استفاده گردد.

اگر بخواهیم تلاش بیش‌از اندازه و سستی در طلب روزی را هر کدام به‌عنوان تنه‌های درخت فرض کنیم، ضرر رساندن به آخرت و سربار مردم شدن به‌عنوان شاخه و برگ‌های آن دو درخت محسوب خواهد شد، اما باید توجه داشت که این دو درخت، دارای ریشه‌هایی نیز بوده که بدون توجه به آن‌ها، عمل به مفهوم «اجمال در طلب» امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲-۳. نه توکل انحرافی و نه حرص زدن

مفهوم قضا و قدر الهی از مفاهیم دشوار در اسلام بوده تا آنجا که شخصی خدمت امام علی علیه السلام رسید عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! مرا از تقدیر آگاه فرما، حضرت فرمود: دریایی ژرف است، در آن فرومرو، [دوباره] عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! مرا از تقدیر آگاه فرما. حضرت فرمود: راهی بس تاریک است، در آن قدم مگذار [سه‌باره] پرسید: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! مرا از تقدیر آگاه فرما. حضرت فرمود: راز خداست. خود را درباره آن به‌زحمت نینداز.^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۶۵)

در نتیجه همواره در طول تاریخ عده‌ای از سر جهالت در این دریای عمیق فرومی‌رفتند. نمونه آن را در موضوع تقدیر رزق نیز می‌توان دید، افرادی که با تکیه بر مقدر بودن روزی از جانب خدا دست از کار و تلاش می‌کشیدند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گروهی از کشاورزان را دید که از کار خود، دست کشیدند. به آنان فرمود: شما [از] چه [گروهی] هستید؟ گفتند: ما اهل توکل هستیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان فرمود: نه بلکه شما سربار دیگران هستید.^{۱۴} (نوری، ۱۴۰۸: ۲۱۷/۱۱) از این روایت می‌توان این‌گونه استفاده نمود که وجود یک روحیه تسلیم‌پذیری نسبت به مقدرات مشروط عالم که می‌توان از آن به «توکل انحرافی» نام برد علتی برای رویدن درخت سستی شده است.

اما در مقابل افرادی که یک ایمان افراطی به مقدر بودن رزق از جانب خداوند دارند، عده‌ای پیداشده که درست در نقطه مقابل آن‌ها، به مقدر بودن رزق از جانب خداوند ایمان کافی نداشته و بیش‌از اندازه خود را در طلب روزی به‌زحمت می‌اندازند و اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جهت تعدیل روحیه تسلیم‌پذیری دسته اول، آن‌ها را امر به طلب روزی می‌کند و می‌فرماید: علیکم بالطلب!^{۱۵}

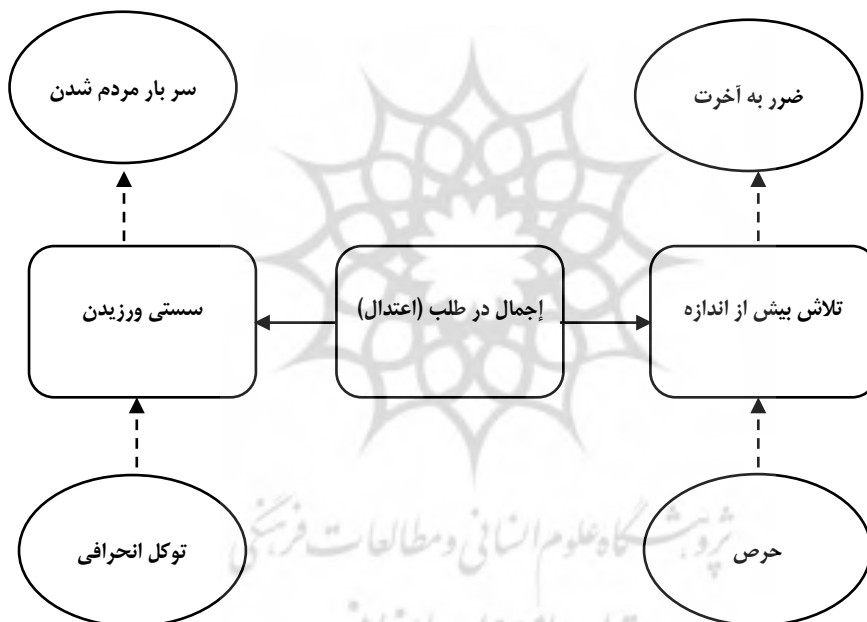


(کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۴) به این دسته از افراد بایستی یادآوری نمود که خداوند متعال رزق تو را مقدر نموده و روزی تو را خواهد داد، به تعبیر امام صادق علیه السلام:

إِنْ كَانَ الرَّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟!

اگر روزی تقسیم شده است، پس حرص ورزیدن برای چه؟! (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۹۳)

روحیه حریص بودن و سیر نشدن از دنیاطلبی، در خوش بینانه‌ترین حالت، انسان را از توجه به آخرت و توشه اندوزی برای آن غافل می‌کند البته در صورتی که انسان را به غرقاب دنیای حرام نکشاند و آخرت او را تباہ نکند.



شکل ۱: افراط و تفریط در طلب روزی و اسباب و نتایج آن در زندگی

۴. افزایش توهمی و نه افزایش حقیقی

حال که بیان شد روایات ما «اجمال در طلب» را به عنوان معیاری در جهت کسب روزی مقدر بیان نموده‌اند نوبت به پرسیدن این سؤال می‌رسد که آیا توصیه به اعتدال در طلب روزی صرفاً یک

توصیه اخلاقی است؟ به این معنا که اگر فردی به این توصیه عمل ننموده و در طلب روزی افراط کند در دام دنیاطلبی افتاده و آخرت خود را باخته است، یا علاوه بر اینکه یک توصیه اخلاقی است، حاکی از یک واقعیتی تغییرناپذیر و سنتی از سنت‌های خداوند در این عالم است؟

«هرچه بیشتر تلاش کنی سود بیشتری خواهی برد» این مفهومی است که در اذهان عموم مردم جامعه نقش بسته و روال زندگی دنیا نیز آن را تأیید می‌کند اما مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود، تعمیم دادن این معنا به تمام ابعاد زندگی به‌ویژه مسئله روزی‌رسانی است، به این صورت که بگوییم: هرچه تلاش بیشتری کنی روزی بیشتری نیز به دست خواهی آورد، بلکه طبق قواعد دنیوی می‌توان این‌گونه گفت، البته اگر سنتی از سنت‌های خداوند برخلاف آن حاکم نشده باشد. به دلیل اصلاح همین تصور مردم نسبت به رزق بوده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بسیار می‌فرمودند:

اعلموا علماً یقیناً أنّ الله عزّ وجلّ لم يجعل للعبد وإن اشتدّ جهده وعظمت
حیلته وكثرت مكابده أن یسبق ما سُمی له فی الذکر الحکیم

به یقین بدانید که خداوند عزوجل برای بنده هرچند تلاش زیاد کند و شگردهای فراوان به خرج دهد و زحمت فراوان کشد، این امکان را قرار نداده که از آنچه در لوح محفوظ برای او در نظر گرفته شده، پیشی گیرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۱)

یکی از سنت‌هایی که خداوند متعال در این عالم قرار داده که مکرر در کلام معصومین علیهم السلام نیز بدان اشاره شده توجه به همین معناست که در باب «روزی مقدر مشروط» هرچند تلاش بیشتری انجام دهیم و از میزان اعتدال (اجمال در طلب) خارج شویم، تأثیری در افزایش روزی ما نخواهد داشت. این توهمی بیش نخواهد بود اگر کسی فکر کند تلاش بیشتر او در یک روز کاری بوده که سبب افزایش روزی‌اش در آن روز شده و یا اگر کسی فکر کند که با توسل به طرق حرام می‌تواند بیش از آنچه که برای او مقدر شده به دست آورد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

لیس من نفس إلا وقد فرض الله عز و جل لها رزقها حلالاً یا تیها فی عافیة،
وعرض لها بالحرام من وجه آخر؛ فإن هی تناولت شیئاً من الحرام قاصها به
من الحلال الذی فرض لها

هیچ کسی نیست جز آن که خداوند برایش روزی حلال مقرر نموده که عافیت مندانه به وی خواهد رسید؛ و از جانب دیگر حرام را در معرض دید او قرار داده، پس اگر وی به روزی حرام دست اندازد، خداوند به ازای آن از روزی حلالی که برایش مقرر فرموده، می‌کاهد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۰)

پسندیده (۱۳۹۲) ریشه همه این طمع‌ورزی‌ها و متوسل شدن به طرق حرام را شناخت نادرست دانسته و معتقد است: کسی که بداند خدا ضامن روزی است و آن را معین فرموده و حرص او بر میزان تقدیرش تأثیری ندارد، قطعاً طمع نمی‌ورزد. برخوردار نبودن از شناخت صحیح، حرص را به دنبال دارد و حرص، مایه رنج و عذاب بیشتر می‌گردد و بدین‌سان، آسایش و آرامش روانی از انسان سلب می‌گردد (۷۳)

امام علی علیه السلام وارد مسجد شد و به مردی فرمود: قاطر را برایم نگاهدار، آن مرد پذیرفت اما بعد مدتی افسار قاطر را درآورده و آن را به سرقت برد. امام بعد اتمام نماز درحالی که دو درهم در دست داشت از مسجد خارج شد، دو درهمی که آماده کرده بود در ازای نگاهداری قاطر به آن مرد دهد، اما حضرت مشاهده کرد که آن مرد، قاطر را به حال خود رها کرده و افسار اسب را دزدیده است. امیرالمؤمنین علیه السلام آن دو درهم را به یکی از غلامان خود داد تا به بازار رفته و افساری برای قاطر بخرد. غلام به بازار رفت و مشاهده کرد که سارق همان افسار سرقت رفته را به دو درهم می‌فروشد، دو درهم را به او داده و افسار را خرید و نزد حضرت برگشت، امام علی علیه السلام در این هنگام فرمود: آدمی به سبب بی‌صبری، خودش را از روزی حلال محروم می‌کند و بیشتر از روزی مقدر هم نصیبش نمی‌شود.^{۱۶} (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۳ / ۱۶۰)

آن مرد پیش خود اندیشید که اگر صرفاً اینجا بایستد و از امانت نگاهداری کند چیزی به او نخواهد رسید، لذا تصمیم گرفت که با دزدیدن افسار، دو درهمی سود کند و حال آنکه اگر همین مقدار تلاش می‌کرد که از قاطر نگاهداری کند، رزقی که برای او مقدر شده بود از راه حلال به دست او می‌رسید و نیازی به سرقت و حيله‌گری نبود.

در نتیجه طبق سنتی که خداوند متعال در نظام روزی‌رسانی حاکم نموده، آن افزایشی که به واسطه شیوه‌های حرام و یا تلاش بیش از حد اعتدال در معیشت انسان ایجاد شود افزایش حقیقی نبوده، بلکه چیزی نخواهد بود جز افزایش توهمی.

۵. رزق مفضول در برابر رزق مقسوم

حال که بیان شد هرچقدر از مرز «اجمال در طلب» خارج شده، زحمت بیشتری کشیده و شگردهای فراوانی به کار بریم تأثیری در افزایش روزی ما نخواهد داشت و اصولاً رزق ما از ابتدای خلقت توسط خداوند مقدر شده است و صرفاً همان سهم خود را دریافت خواهیم کرد،^{۱۷} ممکن است این سؤال به ذهن رسد که پس با بسیاری از احادیثی که در کتب روایی در مورد افزایش رزق و شیوه‌های آن و نیز ادعیه وسعت رزق که از جانب حضرات معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده چه کنیم؟ اگر رزق تقسیم شده و هرکس به همان سهم خود، نه بیشتر و نه کمتر خواهد رسید، با مواردی که در روایات به عنوان اسباب محرومیت انسان از رزق بیان شده چگونه قابل جمع است؟ برخی از پژوهشگران، جهت تبیین و حل این تعارض به علم ازلی خداوند تمسک نموده و گفته‌اند «دعا را که از اسباب فوق عادی مؤثر در جلب رزق است، چنین می‌توان تبیین کرد که خدای سبحان می‌دانست در فلان ساعت، فلان فرد که مدت‌ها زیر قرض سنگینی بوده است، با دل شکسته دعا خواهد کرد و خدای تعالی با دعای وی عوامل ادای دین او را فراهم خواهد آورد و این تقدیر مقدر وی از ازل بوده است و آن هیچ منافاتی با اختیار وی و نیز با تأثیر دعا ندارد؛ بلکه یکی از عوامل و ارکان شکل‌گیری این تقدیر الهی همین عوامل بوده‌اند». (حجتی و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۲)

طبق بیان مذکور چون خداوند از ازل می‌دانسته که فردی در زمان خاص، یکی از شیوه‌های افزایش رزق را انجام خواهد داد، لذا از همان ازل هنگام مقدر نمودن رزق برای مخلوقات، رزق او را برای آن زمان مشخص، بیش از زمان‌های دیگر، مقدر نموده است. اما توجه به روایاتی که بیان‌کننده قسم دیگری از رزق با عنوان «فضل الهی» هستند و نیز مضامین دعا‌های وسعت رزق که در ادامه خواهد آمد، ما را به این تبیین رهنمون می‌کند که در لسان ائمه معصومین علیهم‌السلام، آنچه که با عنوان اسباب افزایش و کاهش رزق بیان شده قسمی متمایز از رزقی است که از ازل برای انسان‌ها مقدر شده و با وجود اینکه علم ازلی خداوند به وقایع آینده را نمی‌توان نفی نمود اما علم ازلی او به اینکه بنده‌ای در آینده یکی از شیوه‌های افزایش یا کاهش رزق را بکار خواهد برد تأثیری در میزان مقدر شدن رزق او در لوح محفوظ نخواهد داشت. تا این قسمت از بحث، ما به دو مفهوم از رزق اشاره کرده‌ایم، یعنی خداوند متعال رزق را به دو صورت بین بندگان تقسیم نموده است: رزقی که بدون هیچ شرطی به بندگان خواهد رسید که از



آن به «رزق مقدر مقطوع» نام بردیم و رزقی که بنده با تلاش خود بدان خواهد رسید که از آن به «رزق مقدر مشروط» نام بردیم.

تمام این دو نوع، رزقی است که خداوند متعال از همان ابتدای خلقت بین بندگان خود تقسیم نموده و میزان آن را در لوح محفوظ نوشته است، در نتیجه تغییری در میزان آن رزق به وجود نخواهد آمد، اما برخی از روایات، ما را با مفهوم دیگری از رزق آشنا می‌کنند که در برابر رزق مقسوم قرار می‌گیرد یعنی رزق مفضول،

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَضُولًا مِنْ رِزْقِهِ يَنْحَلُّهُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ خَلْقِهِ

همانا خدا را از روزی اش، فضل و بخشش‌هایی است که به هر که خواهد، عطا فرماید. (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۷۹ و ۱۸۰)

و نیز فرمودند:

إِنَّ الرِّزْقَ لَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عَدَدِ قَطْرِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ لَهَا وَ لَكِنَّ لِلَّهِ فَضُولًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

همانا روزی از آسمان به زمین بمانند قطره‌های باران، بر هر کس به اندازه مقدر شده‌اش نازل می‌شود؛ اما خدا را فضل و بخشش‌هایی نیز هست، پس خداوند را از فضل و بخشایشش طلب کنید. (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۷)

۵-۱. عوامل بهره بردن از رزق مفضول

حال که پنجره دیگری از رزق به روی ما گشوده شده که برخلاف رزق مقسوم، از ابتدا بین بندگان تقسیم نشده و در هر زمان که خدا بخواهد به بندگان عطا خواهد کرد، می‌توان این‌گونه بیان نمود که شیوه‌های افزایش رزق در واقع شیوه‌های رسیدن به این رزق مفضول است که از لسان معصومین علیهم‌السلام بیان شده است به این معنا که خداوند در نظام روزی‌رسانی رزق مفضول، قواعد رسیدن به آن رزق را نیز معین نموده است که اهل بیت علیهم‌السلام با بیان شیوه‌های افزایش رزق همچون صدقه دادن،^{۱۸} نماز شب،^{۱۹} اکتفا بر استغفار^{۲۰} و زیارت قبر آبی عبدالله الحسین علیه‌السلام،^{۲۱} پرده از قواعد رزق مفضول برداشته‌اند.

از دعا و طلب از خداوند نیز می‌توان از دیگر راه‌های رسیدن به این رزق مفضول نام برد، جالب آنکه توجه به مضمون برخی از ادعیه‌ای که در باب وسعت رزق به ما رسیده ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که این درخواست افزایش رزق در حقیقت درخواست از کیسه فضل خداست نه رزق مقسوم او.

معاویة بن عمار گوید: از حضرت صادق علیه السلام خواهش کردم که دعایی برای روزی به من بیاموزد.

پس دعایی به من آموخت که من بهتر از آن برای جلب روزی ندیدم، فرمود:

قُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا
بَلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبًا صَبًا هَيِّئْنَا مَرِينًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ خَلَقَكَ
إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ
أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى أَسْأَلُ

خداوندا! از فضلِ واسع و حلال و پاک خود به من روزی بده، روزی واسع و حلال و پاک، کافی و بس باشد از برای دنیا و آخرت، فرو ریز فرو ریز، گوارا و خوشگوار و بی‌رنج و منت از احدی جز از فضل وسیع خودت، زیرا تو گفتی: «و خداوند را از فضل و بخشایشش طلب کنید» من از فضلت خواستارم و از عطایت خواستارم و از دست تو که پر است خواستارم. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۰/۲)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «در باب طلب روزی، در نماز واجبی دعا کن و حال آنکه تو در سجده باشی: يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ، ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ؛ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ اى بهترين سؤال شدگان! و اى بهترين بخشايندگان! روزی ده مرا و روزی ده عیال مرا از فضل خود؛ پس به درستی که تو صاحب فضل بزرگی.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۱/۲)



۵-۲. عوامل محرومیت از رزق مفضول

حال که تکلیف روایات افزایش رزق و همچنین ادعیه وسعت رزق مشخص گردید نوبت به بررسی روایاتی می‌رسد که در مقام بیان اسباب محرومیت انسان از روزی و نیز عوامل کاهش آن می‌باشند، عواملی همچون: بدخلقی،^{۲۲} زنا،^{۲۳} و خواب در بین الطلوعین تا آنجا که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» و تقسیم‌کنندگان کار [ها]. (ذاریات: ۴) فرموده‌اند:

«فرشتگان از سپیده‌دم تا طلوع خورشید، روزی‌ها را میان آدمیان تقسیم می‌کنند؛ پس هر که در این میان بخوابد، از روزی‌اش محروم ماند.»^{۲۴}
(طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۱۳۹)

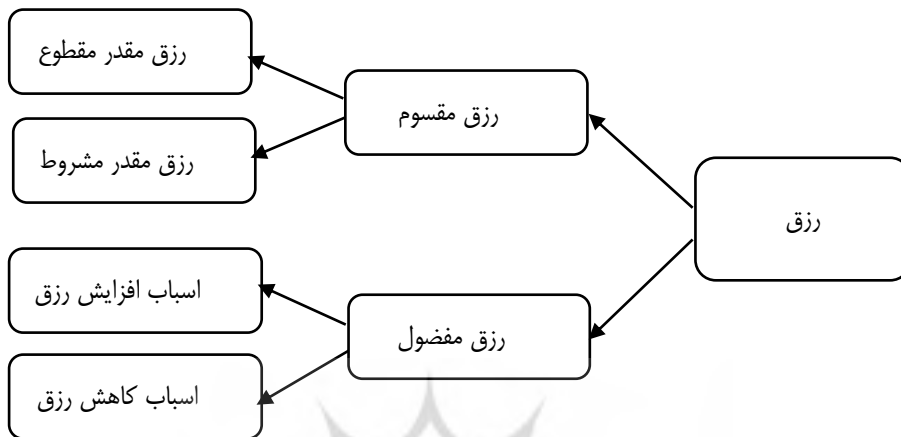
عدم بررسی عمیق این دسته از روایات، می‌تواند ما را به تبیینی ناصحیح سوق دهد، اینکه قائل شویم رزقی که از ابتدا توسط خداوند مقدر و تقسیم‌شده قابل تغییر و نقصان است و یا دچار این تعارض شویم که اگر طبق روایات، نزول رزقی که برای انسان مقدر شده حتمی بوده پس با روایاتی که دلالت بر محرومیت انسان از روزی داشته چگونه قابل جمع است؟ آنچه ما را به تبیینی صحیح از این دسته از روایات سوق می‌دهد، پاسخ امام باقر علیه السلام به پرسشی است که حسین بن مسلم در این زمینه نموده است، حسین بن مسلم به حضرت عرض کرد: فدایت گردم! می‌گویند که خواب پس از سپیده‌دم مکروه است، زیرا روزی‌ها در آن هنگام تقسیم می‌شود، امام علیه السلام فرمود:

الأرزاق مَوْظُوفَةٌ مَّقْسُومَةٌ وَلِلَّهِ فَضْلٌ يَقْسِمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ
وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

روزی‌ها معین و تقسیم‌شده‌اند؛ و خدا را فضل و بخشایشی است که آن را از سپیده‌دم تا طلوع خورشید تقسیم می‌کند؛ و همین است که فرموده: و خداوند را از فضل و بخشایشش طلب کنید. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۴۰)

با توجه به سخن امام باقر علیه السلام که حضرت منظور از تقسیم روزی در بین الطلوعین را همان تقسیم فضل و بخشایش خداوند دانست، می‌توان این‌گونه بیان نمود که عوامل محرومیت انسان از رزق در حقیقت عواملی هستند که انسان را از روزی مفضول محروم می‌کند، به‌عنوان نمونه

خواب بین الطلوعین سبب می‌شود که انسان از فضل الهی که در آن زمان از جانب خداوند عطا می‌شود محروم گردد و نیز انجام زنا مانع نزول فضل و بخشایش خداست.



شکل ۲: نگاهی کلی به انواع رزق در نظام روزی‌رسانی

۶. جمع بندی

رزق به‌عنوان یک نعمتی پیوسته و دائمی، یکی از مقدرات خداوند در این عالم بوده که حتی مقدار روزی هر انسان و سعه و ضیق آن را نیز خودش معین نموده است.

در این میان، توجه به احادیث فراوان باب رزق، نشان می‌دهد که ائمه معصومین علیهم‌السلام به دلیل وجود شباهت‌هایی میان اجل و رزق، به‌طور مکرر، مقدر شدن رزق را به مقدر شدن مقدار عمر انسان‌ها توسط خداوند تشبیه نمودند، اما آیا انسان بمانند زمان فرارسیدن اجل قطعی‌اش که هیچ نقشی در آن ندارد، نسبت به رسیدن رزق مقدرش نیز نقشی نخواهد داشت؟ با بررسی روایات متعارض و جمع بین آن‌ها به یک تقسیم‌بندی جدیدی در نظام روزی‌رسانی رسیده‌ایم به این صورت که بخشی از روزی انسان بدون هیچ تلاشی به او خواهد رسید که از آن به «رزق مقدر مقطوع» یادشده و بخش دیگر به‌شرط تلاش به انسان خواهد رسید که از آن به «رزق مقدر مشروط» یادشده است، اما آیا میزان تلاش نیز از قاعده‌ای برخوردار است و یا میزان تلاش به عهده انسان‌هاست؟ آیا با توجه به این قاعده دنیوی که «تلاش بیشتر سبب سود بیشتری خواهد شد» می‌توان این‌گونه گفت که تلاش بیشتر سبب رزق بیشتری خواهد شد؟ پاسخ این است که

روایات ما نه تنها «اجمال در طلب» و یا تلاش معتدلانه را شرط رسیدن به روزی مقدر می‌دانند، علاوه بر آن، بیان‌کننده یک سنتی تغییرناپذیر در نظام روزی‌رسانی نیز می‌باشند، به این معنا که هرچه انسان از میزان اعتدال خارج شده و انواع مکر و حيله‌ها و طرق حرام را برای افزایش روزی خود بکار برد هیچ تأثیری در افزایش رزق او نخواهد داشت.

اما با توجه به این که رزق مقدر به همان اندازه‌ای که از قبل معین شده به انسان خواهد رسید، نه کمتر و نه بیشتر، تکلیف روایاتی که بیان‌کننده اسباب افزایش و کاهش رزق هستند چه خواهد شد؟ با بررسی عمیق‌تر روایات باب رزق به یک تحلیل جدیدی از این دسته روایات خواهیم رسید، به این صورت که خداوند متعال علاوه بر رزقی که از ابتدا برای انسان‌ها مقدر کرده و آن‌ها را تقسیم نموده «رزق مقسوم» رزق دیگری را نیز معین کرده که آن را از ابتدا تقسیم نموده است «رزق مفضل» و روایاتی که درصدد بیان عوامل افزایش و کاهش رزق هستند ناظر به نوع دیگری از رزق یعنی رزق مفضل هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کتابنامه

1. قرآن کریم؛
2. ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن محمد، (1387 ق)، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار إحياء التراث، چاپ دوم؛
3. ابن بابویه، محمد بن علی، (1398 ق)، التوحید (الصدوق)، تحقیق و تصحیح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول؛
4. _____، (1413 ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم؛
5. _____، (1406 ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم؛
6. _____، (1362 ش)، الخصال، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول؛
7. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (1356 ش)، کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویة، چاپ اول؛
8. ابن منظور، محمد بن مکرم، (1414 ق)، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم؛
9. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (1410 ق)، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم؛
10. جوادی آملی، عبدالله، (1389 ش)، تسنیم، جلد 13، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم: نشر اسراء، چاپ سوم؛
11. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (1414 ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق و تصحیح: علی هلالی و دیگران، بیروت: دارالفکر، چاپ اول؛
12. حمیری، عبدالله بن جعفر، (1413 ق)، قرب الإسناد (ط- الحدیثة)، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول؛

13. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1374 ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تحقیق و تصحیح: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم؛
14. پسندیده، عباس، (1392 ش)، رضایت از زندگی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ سیزدهم
15. زمخشری، محمود بن عمر، (1979 م)، أساس البلاغة، بیروت: دارصادر، چاپ اول؛
16. شریف الرضی، محمد بن حسین، (1414 ق)، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول؛
17. شعیری، محمد بن محمد، (بیتا)، جامع الأخبار (للشعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، چاپ اول؛
18. طباطبایی، محمدحسین، (1390 ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم؛
19. طبرسی، فضل بن حسن، (1372 ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و دیگران، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم؛
20. طریحی، فخرالدین بن محمد، (1375 ش)، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم؛
21. طوسی، محمد بن الحسن، (1407 ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، تحقیق و تصحیح: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم؛
22. طوسی، نصیرالدین، (1372 ش)، کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، شارح: حسن بن یوسف حلّی، مترجم: ابوالحسن شعرانی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ هفتم؛
23. عسکری، حسن بن عبدالله، (1400 ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجدیدة، چاپ اول؛
24. علی بن موسی، امام هشتم، (1406 ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت، مشهد: مؤسسه آل البيت، چاپ اول؛
25. عیاشی، محمد بن مسعود، (1380 ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة، چاپ اول؛

26. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (1415 ق)، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول؛
27. کلینی، محمد بن یعقوب، (1407 ق)، الکافی (ط-الإسلامیة)، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم؛
28. مفید، محمد بن محمد (الف)، (1413 ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت: قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول؛
29. _____، (ب)، (1413 ق)، المقتعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید-رحمة الله علیه، چاپ اول؛
30. نوری، حسین بن محمدتقی، (1408 ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت: قم: مؤسسة آل البيت:، چاپ اول؛
31. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (1410 ق)، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول؛
32. حجتی و رضایی، سید محمدباقر و علی، (1386 ش)، «جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش 3، صص 7-32.